

پنجم : آقای مدرسی چهاردهی

«تذکره مدرسی»

(۸ - حکیم میرزا ابوالحسن جلوه ۱۲۳۸ - ۱۳۱۴)

تذکر : هنگامیکه علامه فقید محمد قزوینی در قسمت فوقانی خانه استاد دانشمند جناب آقای دکتر شایگان > بمناسبت دوستی و صمیمیت دیرینی که بین ایشان برقرار بود > سکونت داشتند قسمت مهم این تذکره در آنجا بنظر قزوینی رسیده بود مخصوصاً شرح احوال میرزای جلوه را بعلت بیماری بابت شهری سفارشی برای نگارنده این سطور ارسال داشتند یاد آن ایام بخیر .

ج ۰۲

میرزای جلوه در شرح حال خود چنین نوشته اند (۱)

(شرح حالات این اقل السادات ابوالحسن ابن سید محمد طباطبائی بر این طریق است . مرحوم والد که در علم طب ماهر بود و در فنون شاعری قادر چنانچه مرحوم فاضل خان گروسی در انجمن خاقان که احوال شعراء و متأخرین از معاصرین خود را مینویسد . شرح حال او را که منخاس به مظهر است بطریق اختصار نوشته است (۲) . در اول جوانی از راه قندهار رو کابل بجیدر آباد هند رفت میرزا ابراهیم شاه که وزیر غلامعلی خان بود او را بمصاهرت اختیار کرده دختر خود را که حواهر میرزا اسماعیل شاه بود باز دواج او در آورد و رفته رفته در حضرت میر و غلامعلی خان

۱ - نامه دانشوران ناصری جلد اول طبع تهران .

۲ - فاضل خان گروسی در احوالات مظهر چنین نوشته است (مظهر اسمش میرزا محمد از سادات زواره اردستان است گویند مدتی است بطرف هندوستان رفته است و از او خبری نیست در هزل و معالیبه دستی این چند شعرا از او ایراد رفت .

آن سرو بلند می خرامید بناز سر در قدمش نهادم از روی نیاز

گفتم هوس قد تو دارم گفتا کوتاهی عمر بین و امید دراز

نسخه خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار به شماره (۲۹۵) ثبت شده که

اعتضاد السلطنه مختصر حواشی بر آن نوشته است .

منزلتی پیدا کرد وقتی بضرورت خواستند سفیری بفرستند او را برگزیدند و بکلکته نزد فرما فرمای هندوستان بسفارت فرستادند .

سرجان ملکم انگلیسی (۱) در تاریخ سیاحت ایران کیفیت ملاقات او را در هندوستان استعلام کردن واحوال سلاطین صفویه را از او نوشتن وی رساله در این باب نوشته است . پس از بازگشتن از ماموریت چون مساعی جمیله از او مذکور بود بعضی در حق او چنانچه رسم است حسد بردند . و بعضی چیزهای خلاف واقع امیر را در حق او بی میل کردند بمجرد اینکه بی میلی امیر را دانست ترك آن مملکت کرده عیال و خانه که داشت بهمان حالت گذاشته متوجه احمدآباد کجرات شد . در احمدآباد مشغول تجارت و از این وضع و حالت نیز قوامی گرفت چندی نگذشت که برامیرسند (۲) صداقت و درستی او انکشاف پذیرفت و عذر بدخواهان اشکار

۱ - سرجان ملکم در کتاب تاریخ ایران در ذکر سلطنت سلطان حسین میرزا درباره سید محمد چنین نقل کرده است . میرزا سید محمد اصفهانی که در این اواخر از سند بسفارت نزد کورنر جنرل هندوستان رفت رساله ای نوشته است در آن رساله مذکور است (که در زمان سلاطین صفویه حکام بر افغانان ظلم میکردند تا اینکه مردم بیجان آمده چند نفر بدریوار ایران فرستاده درخواست کردند که حاکم ایشانرا معزول سازند) ترجمه فارسی جلد اول ۳۸۵ - ۳۸۶ طبع بمبئی ۱۳۲۳ قمری هجری - چنانکه ملاحظه میشود ملکم در تاریخ خود فقط رساله ای را در این خصوص به مظهر نسبت میدهد بدون آنکه گوید او را ملاقات نمودم .

۲ - سندیکی از ایالات هند شمالی و سابقاً در تصرف ایران بود .

قسمتی از این مملکت بعد از انقراض تیموریان بحد ایارخان عباسی منتقل گردید بعدها ریاست آن مملکت را طایفه بلوچ نمودند و چهار برادر که عبارت از امیر فتحعلی و امیر غلامعلی و امیر کریمعلی و امیر مرادعلی باشترک حکومت میکردند ولی برادر بزرگتر ریاست داشت بعد از فوت امیر فتحعلی ریاست را به امیر غلامعلی اختیار نمود مناسبات فتحعلی شاه با این خاندان در تواریخ قاجاریه مضبوط است (مقدمه دیوان جلوه بقلم آقای سریلی خونساری چاپ طهران)

شد کاغذها نوشتند و معذرتها خواستند و اصرار کردند در معایت قبول نکرد و جوابهای
خشن نوشت (۱)

من در احمد آباد کجرات در ذی قعدة سنه ۱۲۳۸ متولد شدم مدتی بهمین حالت
در احمد آباد زندگانی کرد بعد اسبابی فراهم آمد که از احمد آباد به بمبئی آمدم چندیکه
در آنجا ماند اقامت اصفهان و زواره خاصه مرحوم عمو که مردی فاضل و دانا بود
و معایب و رانگ هندوستان و محاسن توقف ایران را نوشتند و آدم بخصوصی را اقرب
بجهت این کار فرستادند و والد قبول کرده متوجه اصفهان شد زمان توقیف در هندوستان
سی و شش سال بود چون اکثر اقرب در اردستان و زواره که از مصافقات اصفهان است
معتوین بودند هم در زواره خانه و علاقه بهمیا کرد و هم در اصفهان گاهی در زواره متوقف
بود و گاهی در اصفهان

من در ابتدای ورود با اصفهان هفت ساله بودم شش و هفت سال پس از آمدن
از هند پدر حیات داشت پس او بناخوشی و با در زواره در گذشت (۲)

من چون بمرتبه نبودم که بتوانم خود را حفظ و حراست کنم و غمخوار و پرستار
درستی نیز نداشتم از مسافرت هندوستان آنچه پدر اندوخته بود و از او مخلف شد
بتلف رفت و کار من پیریشانی کشید چون این سلسله از قدیم الایام اکثر از اهل علم و
فضل بوده اند چنانچه صاحب وسایل شیخ حر عاملی رحمه اله در وسایل جده اعلائی مرا

۱ - گویا بمناسبت اقامت مظهر در کجرات است که هدایت این مختصر شرح
احوال را در تحت عنوان (مظهر کجراتی) نوشته است.

(از سخن گویان شیرین زبان و فاضلان نیکو بیان است و اصلش از ایران
است هشت هزار بیت صاحب دیوان است و این اشعار از دیوانش نشان است .
اگر بهار بدیع است و گریه بهشت بکار .
بهار من رخ توست و بهشت من دیدار .
مجمع الفصحاء صفحه (۵۰۴) جلد اول طبع تهران .

۲ - بنابر تقریر آقای سید محمد محیط طباطبائی برای نگارنده این سطور
که (خود آقای محیط از اهل زواره اصفهان هستند) قبر مرحوم مظهر در زواره
می باشد .

که میرزا رفیع‌الدین محمد معروف بنائینی (۱) است و صاحب تصانیف بسیار است که از آن جمله حواشی بر اصول کافی است و الان بقعه او در تخت فولاد اصفهان مزارعام و خاص است در عداد مشایخ خود می‌شمارد و من احوال این گذشته‌گان را از اقارب می‌شنیدم با این پریشانی شوق تحصیل در من پیدا شد با عدم اسباب باصفهان رفتم و در مدرسه معروف بکاسه‌گران حجره گرفته مشغول شدم تا آنکه از مقدمات باعتماد خودم فراغتی حاصل شد چون فطرت‌ها در میل علوم مختلف است خاطر من میل به علوم عقلیه کرد.

در تحصیل فنون علم معقول از الهی و طبیعی و ریاضی اوقاتی صرف کردم خاصه الهی و طبیعی که در ایران متداول است سیما الهی. با آنکه جوانی رفیق دوست بودم و دوست گیر و صحبت ادبا و شعرا و ظرفارا خوش داشتم و با همگان معاشرتی تمام و گاهگاه بحسب وراثت و مجالست با شعرا شعری می‌گفتم تا وقتی که مرا از طرز سخن آگهی حاصل شد و خوب و بد شعر تمیز دادم و دانستم که شعر خوب گفتن با آنکه چندان فائده ندارد و مشکل است و شعر متوسط و پست هیچ از این خیال منصرف نشدم پس طور عجب لازم ایام شباب است و همه دانند که این گونه معاشرت‌ها مانع همه چیز است خاصه تحصیل من از تحصیل خود را باز نداشتم و همواره اختلاس وقت بجهت این کار می‌کردم تا اینکه دیدم از استادان حاضر مرا چندان منفعتی نیست ترك درس خواندن کرده مشغول مطالعه و مباحثه شدم و آنی نیاسودم و اتفاق چنین افتاد که اکثر طلاب دقیق بافهم با من در اینکار مرادده می‌کردند و بایشان اهمال مطلب و مداهنه ممکن نبود. این معنی مرا بر آن داشت که در اینکار که باعتماد بعضی باطل است و بعقیده برخی بی حاصل کوشش بلیغ کردم و حظی و آفر بردم مدتی در اصفهان بهمین شغل داشتم تا از درنگ اصفهان بجهت شیوع تپی دستی و اصرار بر عیب جوئی و متعرض شدن مردمان بدون جهت بیکدیگر و واجب‌الاطاعه دانستن بعضی خود را دلتنگ شدم بتهران آمدم بر حسب انس و عادت و عدم قدرت بر منزل علیحده بمدرسه

۱ - این صدرالدین که از علمای معروف اواخر صفویه بوده و در سنه هزار

وهشتاد و سه وفات نمود.

دارالشفافرود آدمم والان که سنه ۱۲۹۴ است ویست ویکسال است که در تهرانم
 ودر این مدت بجز این امر بیفائده که مطالعه و مباحثه علوم مذکوره باشد بشغلی
 وخیالی دیگر نپرداختم وچون دانستم تصنیف تازه صعب بلکه غیر ممکن چیز مستقل
 توانسته‌ام .

ولی حواشی بسیار بر حکمت متعالیه که معروف باسفار است و غیره نوشته‌ام
 و اکنون در دست بعضی از طلاب است و محل انتفاع و این مدت از روی فطرت یا اضطرار
 قناعت راپیشه خود کردم و از من تقاضائی تحریر و تقریر بظهور نرسیده و بی دعوت
 دوستان اگر چه مشتاق بودند نرفتم بالفعل اکثر طلاب از شهرهای مختلف که میل بمعقول
 دارند گرد من جمع شدند هر جمعی بتخیالی برخی محض آموختن اصطلاح و طایفه‌ای
 بجهت آراستن مجالس و شردمه بجهت صداقت و ساده وحی و اعتقاد بعالم مجرد شرح
 این طایفه است ثلثه من الاولین و قلیل من الاخرین . باری .

هر کسی از ظن خود شد پار من وز درون من نجست اسرار من
 مرحوم میرزا طاهر تنکابنی شرح مختصری از احوالات استاد خود را بنقل از
 نامه دانشوران در مجله آینده نوشته‌اند و اضافاتی که نسبت بنامه دانشوران نوشته‌اند
 در اینجا نقل میکنیم . نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حقیر در شعبان ۱۳۰۵ پس از وفات استاد فاضل عارف کامل آقا محمد رضا قمشه‌ای
 قدس سره از مجمع افادت این سید بزرگوار شتافتم و از برکات مجلس عالی و میامن
 انفس قدسیه اش تا آخر عمرش که سنه ۱۳۱۴ باشد مشغول استفاده و استفاضه بودم
 و در لیل جمعه ششم ذی قعدة الحرام این سال روح پرفتوحش بدارالقدس پرواز کرده
 بشاخسار جنان پیوست و در جوار مرقد منور محدث عظیم عالی بن بابویه القمی طاب ثراه
 که در حوالی تهران مدفون شده (۱) .

نگارنده گوید چنانکه از استادان خود شنیده‌ام جلوه کمتر خدمت استاد کردی
 و اساتیدش محدود بیک دو نفر در اصفهان بود و سلسله اساتید میرزای جلوه میرزا
 حسن پسر ملاعلی نوری و ملاعلی شاگرد ملا اسمعیل واحد العین چهار سوئی و او

شاگرد ملاصادق اردستانی معروف به پلومی و او شاگرد ملامحسن فیض و او شاگرد ملا صدای شیرازی است و مرحوم میرزا طاهر تنکابنی درباره استادان جلوه چنین نوشته است .

تحصیلات علمی سید استاد در نزد میرزا حسن حکیم که از افاضل آن عصر بشمار بود و نزد میرزا حسن پسر آخوند ملاعلی نوری معروف قدس اله سرهم بود . شرح مختصری از احوالات جلوه در رساله فارسی هدیه الاحباب مرحوم حاج شیخ عباس قمی (۱) . مؤلف کتاب الکنی والالقب مسطور است که ظاهراً مأخذش مندرجات نامه دانشوران باشد .

شرح احوالی هم در ادبیات معاصر تألیف مرحوم رشید یاسمی مندرج است که مؤلف در کتاب خود اشاره می نمایند که از مقدمه دیوان حکیم التقاط نموده اند . میرزا ابوالحسن جلوه یگانه حکیمی بود که در اواخر عمر بر فقهای عصر خود بالاستحقاق در مجالس و محافل مقدم میرفته است و در هیچ عصری چنین سابقه نبوده است که حکیمی بر فقهی مقدم شود . برای آنکه جلوه مسن تر از همه فقها بود . سید بود و سجایای اخلاقی داشت .

در مقدمه دیوان جلوه مسطور است (۲) . از نقاط مختلف ایران همیشه قریب بهفتاد نفر از طلاب درحوزه در سش حضور داشتند درس را با نهایت فهم و دانائی بدون کبر و مناعت و غرور که در آن زمان بین مدرسین شایع بوده تدریس مینموده و غالباً از فقرا و طلاب بیبضاعت دستگیری کرده و حتی المقدور این قبیل محصلین را تشویق و رعایت مینمود و در این مدت متأهل نشده مجرداً زندگانی مینمود (۳)

۱ - حاج شیخ عباس قمی این رساله را بفارسی تألیف و در نجف بچاپ رسانید بعداً آن را تکمیل کرده و بنام الکنی والالقب بعربی تألیف نمود در سه مجلد در مطبعه العرفان سیدا بطبع رسانید و این کتاب خالی از اشتباهات نیست .

۲ - دیوان جلوه چاپ تهران .

۳ - چنانکه یکی از دوستان اظهار میکرد جلوه با حسنعلی خان امیر نظام گروسی سفری نیز به آذربایجان نموده (حاشیه مقدمه دیوان جلوه طبع تهران)

در منزل حاجی کاظم ملک التجار درگذشت و طرب اصفهانی (۱) در تاریخ وفات این استاد بزرگوار انشاد نمود.

طرب از حزن پی سال وفاتش بنوشت بوالحسن جلوه کنان شدسوی فردوس برین از زمانیکه آرامگاه حکیم میرزا ابوالحسن جلوه در کنار مزار ابن بابویه قرار گرفته است تاکنون بسیاری از معارف دانشمندان مانند مرحوم آقا میرزا طاهر تنکابنی بنا بر وصیت خودشان در کنار قبر جلوه بخاک سپرده شده‌اند و در روزهای پنجشنبه و جمعه ارباب معرفت بر سر گور حکیم جلوه رفته و باقرآیت سوره قرآنی روحش را شاد و از روح پرفتوحش استمداد میجویند رحمة‌اله علیه.

«شعر و شاعری»

در مقدمه دیوان جلوه مسطور است (که میرزای جلوه در بین شعرائیکه حکمیات را با احساسات لطیف شاعرانه تطبیق و اسلوب شاعر و فیلسوف بزرگ ناصر خسرو علوی را بیش از هر شاعری توانسته است پیروی و از عهده بر آید باری بعد از آنکه اسلوب شاعری ترکستانی درین فضلا و شعراء متأخر منتشر گردید جلوه که از اوان صباوت بشعر سرودن اشغال داشته و شعر متوسط و پست راهیچ میدانسته پیروی از شعرای ترکستان مینماید قوت طبع و حسن قریحه طبیعی که در این شاعر فیلسوف وجود داشته خیالات نازک فلسفی را با احساسات شاعرانه بهم آمیخته میان شعرای معاصر خود مقامی رفیع احراز نماید. علوم انسانی

غزلیات این شاعر فیلسوف عبارت از حقایق ثابتی است که افکار فلسفی با احساسات و انعکاسات قبلی توأم و انشاد نموده

میرزای جلوه قطع نظر از مقامات علمی ادیبی دانشمند بوده و چنانکه در دیوانش بخوبی ظاهر میگردد که ادبیات فارسی را با نهایت دقت تتبع نموده.

نکارنده این سطور گوید: دیوان جلوه بچاپ رسید بواسطه مغلوب بودن ارزش ادبی حکیم را کاسته است. گرچه جلوه خوب شعر نمی‌سرودند اما حق این بود که دیوان رایکی از اساتید سخن‌اصلاح میکرد تا همان اندازه که مقامات علمی جلوه

محفوظ و معلوم است آثار ادبی او هم ارزش بسزائی پیدا مینمود .

(سؤال فصیح الملك شوریده ضریر شیرازی)

فیلسوف عصر و نحریر زمانه بوالحسن
نام نامی تودر معنی بحکمت جلوه داد
شاعر بی دیده گسر شوریده بشنیده
دختران طبع ماهریک بطرزی میچمند
یاکدهی سوی رهی بنگر که اندر حضرتت
زانکه اندر خطه شیراز کس امروز نیست
جز تودر پهنه حکم کس را نشاید صفدری
هادی ما شو که گمراهیم در تپه ضلال
گوی کا ندر دانش و حکمت کدامین برترند
هر دو خواهی گفت در اقلیم معنی خسروند
گوی برهانی که برهانی مر ازین در دسر
ورنه از من درد سربابی بقطعه ثانوی

جواب مرحوم جلوه طاب ثراه مر شوریده را

ای پژوهنده حقایق دوستدار علم و فضل
گفته در معرفت برگو کدامین برترند
ره بجزئیات نتوان برد جز از راه حسن
بس قدیمی رفتگان را حکم کردن زین نمط
از کتاب این دو هم این حکم می ناید درست
هر دو با الفاظ نیکند و معانی درست
هم بود سوء ادب ز امثال ما اینگونه حکم
لیک بستاید حکیم غزنوی را چند جا
گرچه نبود این دلیل برتری در رتبه لیک
تا که معلومست حال این دو تن دارم امید
بینمت بس بسادل پینا و بارای قوی
زین دو تن ملای رومی با حکیم غزنوی
منطق این گفت و باید منطقی را پیروی
نیست ممکن گر بانصاف و مروت بگری
گر مکرر خوانی و هم کر مکرر بشنوی
مر مرا پر فرق نبود قهرمان و خسروی
نی گمانم که باین سوء ادب راضی شوی
مولوی دور از گزاف اندر کتاب مثنوی
خالی از تائید نبود بشنو از این منزوی
که نکردی هیچکجه محتاج قطعه ثانوی

«آثار قلمی میرزای جلوه»

- ۱- دیوان اشعار جلوه که مرحوم علی عبدالرسولی آنرا تدوین و باهتمام آقای احمد سپیلی خوئساری در ۱۳۴۸ در تهران بطبع رسید.
 - ۲- رساله در تحقیق الحركة فی الجواهر
 - ۳- رساله در بیان ربط الحادث بالقدم
 - ۴- حواشی بر شرح هدایه اثریه ملاصدرای شیرازی
این سه رساله اخیر در حواشی شرح هدایه ملاصدرا در تهران طبع شده است.
 - ۵- حواشی بر مشاعر صدرالدین شیرازی
 - ۶- تصحیح مثنوی مولوی که مرحوم میرزا محمود کتاب فروش در تهران بطبع رسانید.
 - ۷- حواشی مشاعر به ضمیمه رساله عرشیه ملاصدرا در یک مجلد در تهران طبع شده است.
 - ۸- حواشی بر کتاب مبدء و معاد ملاصدرای شیرازی که در حواشی مبدء و معاد ملاصدرا در تهران طبع رسید.
 - ۹- شرح حال مختصری از مجمر زواره که بنام مقدمه دیوان مجمر قرار داده اند که به ضمیمه دیوان مزبور در سال ۱۳۷۲ قمری چاپ سنگی در تهران طبع شد (۱)
 - ۱۰- حواشی بر کتاب شفای ابن سینا - از مزایای حواشی میرزای جلوه
ین است که اولاً حتی الامکان تفسیر کلام شیخ به کلام خود و مطالبی را که در يك جایی که مجمل گذاشته در جای دیگر که آنرا شرح داده است آن شرح موضوع را عیناً نقل میکنند و در هر موضع کتاب مهمات مطالب مربوط بمطلب را عیناً از کتب قدما درتایید و یا توضیح و یار و ایراد مطالب متین بعین الفاظ نقل نموده و نام ماخذ
- ۱- دونسخه از دیوان خطی سیدحسین طباطبائی زواری متخلص به مجمر که از شعرای معاصر فتحعلی شاه قاجار است در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود است برای تفصیل از چگونگی آنها بفرست کتابخانه مدرسه سپهسالار جلد ۲ تالیف آقای ابن یوسف شیرازی طبع تهران مراجعه شود و نسخه ای از دیوان در کتابخانه آقای مشکوة استاد محترم دانشگاه موجود است.

حواشی را هم در پایان یاد کرده است. در حقیقت مطالب شفا را با کمال امانت به کلمات مصنف و فلاسفه سابقین دیگر با حواشی خود شرح کرده است و همه جا مطالب را به صاحبان آن مطالب نسبت داده است حتی مطالبی که در فلسفه طبیعی عصر میرزای جلوه مورد بحث بود بخصوص مسائلی که در آنها تغییراتی که پیدا کرده است آنها را هم در حواشی تذکر داده است مخصوصا در مباحث طبیعات بیشتر شرح داده است.

پشت ول ورق طبیعی کتاب شفا مرحوم آقا میرزا طاهر تنکابنی که از معارف شاگردان میرزای جلوه است این عبارت را نوشته اند.

این کتاب مستطاب از کتبی است که مرحوم مبرور استاد اعظم و فیلسوف معظم سید بزرگوار میرزا ابوالحسن متخلص بجلوه طالب نراه از اول آن تدریس میفرمودند و تمام آنرا از مباحث کم مقولات عشر تصحیح فرموده و بر آن حواشی مرقوم داشته اند و الحق یادگار بزرگی از آثار آن مرحوم می باشد. ۴ آذر ۱۳۱۸ محمد طاهر الطبرسی (۱) خط کتاب نسخ عالی و تاریخ کتابت نسخه ۳ ذیحجه الحرام ۱۰۷۵ کاتب محمد

صالح اردستانی که از علماء است قطع وزیری ۴۶۹ ورق است. آغاز کتاب از ورق دوم تا ۲۹ برك افتاده یعنی تا واسط فصل سوم در رسوم و خواص جوهر ۲ از مقاله ۳ از فن دوم افتاده و اخیرا نوشته اند. کتاب شامل منطق کتاب الشفا و تمام طبیعات است نسخه مذکور نفیسترین و بخصوص صحیح ترین نسخه ایست که از کتاب شفا بدست می باشد چه باختلافات فراوانی که بین نسخ شفا موجود می باشد چه يك نسخه از کتاب ایباغوچی شفا را که با نسخه که در تاریخ عشر اول ذی الحجة -

۱ - کلمه طبرسی را که بجای مازندرانی استعمال میکنند از اغلاط فاحشی

است که چندی است متداول شده است چه طبرس معرب تفرش است.

برای تفصیل بکتاب تاریخ بیهق که مرحوم محمد قزوینی نسخه ای از آن

عکس برداشته اند و با حواشی و اهتمام آقای احمد بهمنیار در تهران طبع شده

مراجعه شود.

الجرام سال ۵۳۶ کتابت و بانسخه اصل تصحیح و مقابله شده بود. آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه مقابله کرده و بعد دو سه صفحه نسخه مزبور که بانسخه مرحوم جلوه مقابله شد هیچگونه اختلافی بین نسخه‌تین موجود نبود و این مطلب کمال دقت و استادی مرحوم جلوه را در امر تصحیح و اطلاع و آشنائی کامل آن حکیم را بفلسفه بخصوص در کلام ابن سینا بشوت میرساند. این نسخه بسیار نفیس در کتابخانه آقای سید محمد مشکوة استاد محترم دانشگاه تهران موجود است.

۱۱ - مرحوم جلوه بر کتاب اسفار اربعه ملا صدرا شیرازی حواشی بسیار و غالبا ماخذ مطالب اسفار را در دست داشته و در حواشی خود آن ماخذ را تعیین کرده و نشان داده است. کمتر مطلبی است که در اسفار یافته میشود که میرزای جلوه در حواشی و تعلیقات خود نشان نداده باشد نسخه کتاب اسفار کتابخانه مجلس را که جنایت کرده اند بدست صحاف چاپخانه مجلس داده اند و مقدار زیادی حواشی را از بین برده است و آن حواشی از روی نسخه میرزای جلوه نوشته شده است. مجموع حواشی میرزا ابوالحسن جلوه بر کتابهای شفا و اسفار و شرح هدایه و سایر کتب فلسفی باندازه کتاب اسفار اربعه ملا صدرا شیرازی است.

۱۲ - شرح ملخص چغمینی حواشی از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و چند حاشیه دیگر چاپ تهران سنه ۱۳۱۱ در فهرست کتابخانه استان قدس رضوی در جلد چهارم چنین نوشته شده است

شماره ۴۱۸. تعلیقات بر شرح فصوص.

عربی - افاداتی است بر شرح فصوص قیصری از حکیم معروف میرزای جلوه... که ظاهرا تقریر او و تحریر تلمیذش حاج سید عباس ابن علی اورسجی شاهرودی متوفی شوال ۱۳۴۱ در سن ۷۰ اندی در مشهد باشد - کاتب حاج سید عباس شاهرودی دارای ۴۵ برگ اندازه ۱۸ در ۱۱

در فهرست کتابخانه استان قدس رضوی در جلد چهارم چنین نوشته شده است

شماره ۴۲۱ تعلیقه بر درة الفاخره.

عربی - اثر خاتمه میرزا ابوالحسن جلوه . آغاز (قال ملاحامی فی الرسالة الوجودیه
 لاشك ان مبدالالموجود) کاتب حاج سیدعباس شاهرودی تاریخ کتابت رجب ۱۳۰۶
 در تهران . پس از این ضمن سه صفحه عبارتی است در بیان ترکیب حقیقی وانضمامی خط
 تستعلیق ۱۵ سطری دارای ده برك اندازه ۱۸ در ۱۱ بقیه دارد

بقیه دارد

تأمل کف از رفتن رفتگان

که بودند چون تو بنفس و نفس

منه دل بماندن بدین ماندگان

کزین ماندگان ماندنی نیست کس

- ادیب صابر -

ز روزگار حذر کن ز کردگار بپرس

و گرت بر همه آفاق دست رس باشد

چو روزگار بر آشفت و کردگار گرفت

زوال دولت تو در یکی نفس باشد

نه کردگار بتدبیر خلق گمار کند

نه روزگار بفرمان هیچکس باشد

پروشگاه علوم انسانی و مطبوعات ادیب صابر ترمذی -

ز جمله نعمت دنیا چو نادرستی نیست

درست گرددت این گر پرسی از بیمار

بکارت اندر اکبر نادرستی بینی

چو تن درست بود هیچ دل شکسته مدار

- صابر بن اسماعیل -

فلک بد عهد و بس نا استوار است

همه کار جهان ناپسایدار است

هوائی دارد و آبی زمانه

که با طبع جهان ناسازگار است

- ادیب صابر -